

مؤلفه‌های تمدن ساز سبک زندگی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

خدیجه حسین زاده^۱، سید احمد موسوی باردئی^۲، طاهره ماهروزاده^۳، زینب تقی لو^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۴

چکیده:

روح اصلی بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، سبک زندگی به معنای جامع آن است. سبک زندگی مقوله‌ای بنیادین است که اندیشمندان علوم اجتماعی، تربیتی، روان‌شناختی اقتصادی و مدیریتی با رویکردهای مختلف به آن توجه کردند، اما تفسیر مقام معظم رهبری از سبک زندگی و مؤلفه‌های تمدن ساز ایشان در حوزه‌ی مصرف به این دلیل که برگرفته از مبانی دینی و ناظر به مسائل فرهنگی و اقتصادی می‌تواند؛ مسیر روشنی را در اختیار محققان و مبلغان فرهنگ اسلامی قرار دهد. از این رو مقاله‌ی پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای درصدد است که با تحلیل قرآنی - روایی بیانات مقام معظم رهبری به تبیین مؤلفه‌های تمدن‌ساز سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف بپردازد. یافته‌های پژوهش پیش‌رو، حاکی از آن است که از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته‌ی مؤلفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود. مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب، گزینش کالاهای داخلی از جمله مؤلفه‌های ایجابی و عدم اسراف، عدم تجمل‌گرایی، عدم اتراف و تنوع‌طلبی، نفی نیازهای کاذب و اولویت‌بندی نیازها از جمله مؤلفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه ایشان است.

واژگان اصلی: مؤلفه‌های تمدن ساز، مؤلفه‌های مصرف، سبک زندگی قرآنی، مقام معظم رهبری.

۱. دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی تفسیر تطبیقی سطح ۴ جامعه الزهراء سلام‌الله‌علیها، قم، ایران (نویسنده مسئول)

Hosinzadeh110@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف موسسه آموزش عالی فخررازی ساوه، ساوه، ایران

۳. استادیار گروه تفسیر و علوم قرآنی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، قم، ایران

۴. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی جامعه الزهراء سلام‌الله‌علیها، قم، ایران

مقدمه و بیان مسئله

اقتضائات زندگی مدرن باعث شد که به تدریج شرایطی پدید آید که دانشمندان علوم اجتماعی الگوهای خاصی از کار، مصرف و گذراندن اوقات فراغت برای زندگی ترسیم کنند. از این رو، سبک زندگی ارتباط تنگاتنگی با مقوله‌های فرهنگ، جامعه، رفتار، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، تولید، مصرف، سلیقه و نیاز دارد. حاصل این رویکرد نیز تلاشی گسترده برای ترویج و تثبیت سبک خاصی از زندگی است که خاستگاه آن فرهنگ سکولار غربی است. پذیرش منفعلانه این سبک از زندگی برای جوامع مسلمان، نه تنها شایسته نیست، بلکه آثار زیانبار بسیاری چون؛ از دست دادن هویت و استقلال شخصیتی را دارد. از این رهگذر است که می‌توان ضرورت مسئله سبک زندگی را به وضوح تبیین کرد. یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن است. اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است. در تاریخ انقلاب اسلامی، حوزه‌های مختلف سبک زندگی، تحولات گوناگونی را به خود دیده است. در عصر کنونی با صدور بیانیه‌ی گام دوم که در حقیقت نگاهی منظومه‌ای و جامع به ضرورت انقلاب اسلامی در ابعاد محتوایی و شکلی است بر این امر مهم تأکید شده است. مقام معظم رهبری در بندهای پایانی بیانیه در مورد سبک زندگی فرمودند: «سخن لازم در این باره بسیار است، فقط به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که با چشم امید در آن به جوان‌هاست». با توجه به فرمایشات رهبر انقلاب روح و سیرت انقلاب اسلامی، سبک زندگی یعنی اموری مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک و غیره است در واقع این‌ها بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. این وسعت و گستردگی سبک زندگی که شامل حیات فردی و اجتماعی انسان می‌شود حتی در مسائل اقتصادی تأثیرگذار است. به حدی که مقام معظم رهبری ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی و فرهنگ‌سازی را درباره‌ی اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به عنوان یکی از سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه، ابلاغ کردند. از این رو ضرورت ایجاد می‌کند مقاله‌ای با عنوان «تحلیل قرآنی - روایی مؤلفه‌های تمدن ساز سبک زندگی در حوزه مصرف در اندیشه معظم له»

نگاشته شود تا توضیح و شرحی بر بیانیه گام دوم باشد.

۱- اهداف و سؤالات پژوهش

در پژوهش حاضر تلاش شده تحلیل و تبیین مؤلف‌های تمدن‌ساز سبک زندگی اسلامی در حوزه مصرف در اندیشه مقام معظم رهبری استخراج شود و سپس با مراجعه به آیات و روایات مستندسازی و تحلیل گردد. در این راستا پرسش‌های پژوهش حاضر عبارت است از:

- چه مؤلفه‌های تمدن‌سازی در حوزه مصرف سبک زندگی از منظر مقام معظم رهبری وجود دارد؟
- مؤلفه‌های سلبی تمدن‌ساز سبک زندگی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری کدام است؟
- مؤلفه‌های ایجابی تمدن‌ساز سبک زندگی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری کدام است؟

۲- پیشینه پژوهش

اگر چه در کتب و آثار پژوهشی مانند «تاریخ طبری»، «الکامل»، «تاریخ ابن خلدون»، «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی، «تمدن اسلامی و راه‌های تحقق در قرآن و حدیث» و «بررسی و تبیین مؤلفه‌های تمدن اسلامی از منظر قرآن»، «فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف ولایتی و غیره مطالب فراوانی در زمینه مؤلفه‌های تمدن‌سازی به طور کلی وجود دارد. هم‌چنین در آثار مرتبط با سبک زندگی از جمله کتاب «سبک زندگی قرآنی» نوشته محمد علی رضایی اصفهانی و مقاله‌ی «مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه مقام معظم رهبری» نوشته نوروز امینی و کوثر حلال‌خور به مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی پرداخته، اما ویژگی منحصر به فرد این اثر تبیین مؤلفه‌های تمدن‌ساز حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری به طور خاص و مستندسازی و تحلیل قرآنی و روایی آن‌ها است.

۳- ملاحظات مفهومی و نظری پژوهش

- تعریف مفاهیم

تمدن‌سازی

«فوکوتساوا یوکیچی» یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در زمینه‌ی تمدن‌ی (*civilization*)، دو تعریف از تمدن ارائه می‌دهد؛ در تعریف اول، او تمدن را به منزله‌ی امری محدود معرفی می‌کند: «یعنی افزایش دادن آن چه که انسان مصرف می‌کند؛ یعنی افزایش صورت مادی تمدن» و در تعریف دوم

تمدن به معنای گسترده معرفی می‌شود که در کنار رفاه در زمینه‌ی ضرورت‌های روزانه به پالایش معرفت و پرورش فضیلت به نحوی که زندگی بشری را به مرتبه‌ی بالاتری بکشاند، نیز توجه می‌شود؛ یعنی او برای تمدن دو سطح قائل است؛ یک سطح مادی و دیگری سطح معنوی است که به مثابه‌ی زیربنای تحقق تمدن در نظر گرفته می‌شود و مانند موتور محرکه‌ی تمدن عمل می‌کند و بر اساس نیازهای موجود به صورت‌های مادی تمدن شکل می‌دهد (یوکیچی، ۱۳۷۹: ۱۱۹). از سویی دیگر، تمدن‌ها اموری پویا هستند که در اثر رابطه میان بُعد مادی و معنوی ایجاد می‌شود؛ پس برای حفظ پویایی تمدن بایستی هم در بُعد مادی و هم در بُعد معنوی پویایی خود را حفظ کند (مقصودی و تیشه یار، ۱۳۸۰: ۱۵۸). به عبارتی دیگر، تمدن به حالتی از توسعه در زندگی بشر گفته می‌شود که توسعه‌ی فکری، فرهنگی، مادی و هم چنین توسعه علمی و هنری را دربر می‌گیرد. این توسعه در زمینه‌های یاد شده به شکل‌گیری نهادهای سیاسی و سازمان‌های اجتماعی منجر می‌شود. بنابراین می‌توان تمدن را به مثابه فرهنگ یا جامعه‌ای در نظر گرفت که در منطقه‌ای خاص و یا در دوره‌ای مشخص ظهور می‌کند.

شریعتی نیز در تعریف تمدن می‌گوید: «تمدن به معنای کلی عبارتست از مجموعه‌ی ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه‌ی انسانی... باید انسان را تغییر داد، نه این که وسایل زندگی‌اش را مدرن کرد. وقتی وسایل عوض شود، به خاطر سازش و آماده شدن برای مصرف آن کالاها، مسلماً انسان یک مقدار عوض می‌شود؛ ولی بینش انسان عوض نمی‌شود فقط ذوق مصرف انسان عوض می‌گردد. هر جامعه‌ی متمدنی ماشین، برق، تلویزیون و هواپیما و اسلحه دارد؛ اما هر جامعه‌ای که این‌ها را داشته باشد حتماً متمدن نیست» (شریعتی، ۱۳۳۸: ۸). از این رو تمدن با تغییر روح تک تک افراد جامعه که تغییر در روح کلیت جامعه به عنوان یک ملت آغاز می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت مادامی که این حرکت استمرار دارد، تمدن‌سازی نیز ادامه خواهد داشت.

تمدن از نگاه رهبر انقلاب زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی و استفاده از پیشرفت‌های زندگی (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴). در همه‌ی عرصه‌های مختلف، به همراه پیشرفت در زندگی مادی و معنوی و رفاه مشروع برای انسان‌ها است (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۷/۲۶). رهبر انقلاب شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی را ایمان، علم، پیشرفت، عزت، عدالت، قدرت مقابله با امواج جهانی، ثروت، اخلاق و مجاهدت مداوم بر می‌شمارند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۸/۲۰). هم‌چنین تولید فکر از اقیانوس عظیم معارف و پرورش انسان با کمک علمای دین، مدیران جامعه و آحاد مردم را دو عنصر اساسی برای ایجاد تمدن اسلامی می‌دانند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۲/۸). از سویی ایشان الزامات و بایدهای برپایی

تمدن اسلامی را لزوم القای باور تمدن سازی اسلامی به مردم، لزوم استفاده از دانش جهان (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۲/۱۷)، لزوم ادای وظیفه علمای دین و روشنفکران، لزوم تلاش مجاهدانه امت (خامنه‌ای، ۲/۱۱/۱۳۹۲)، لزوم تحقیق دانشگاه‌ها برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، لزوم گنجاندن معارف تمدن ساز در کتاب‌ها، لزوم طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برای شکل گیری تمدن نوین اسلامی (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۸)، لزوم پرهیز از تقلید غربی، لزوم شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور و تکیه بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی می‌دانند (بیانیه‌ی گام دوم). پس از روشن شدن معنای تمدن و تمدن‌سازی به تشریح معنای سبک زندگی پرداخته می‌شود.

سبک زندگی

سبک زندگی یا لایف استایل (*Style of life*) در تبیین گونه‌های مختلف زندگی در میان اقوام و ملیت‌ها با نگرش‌های متفاوت به هستی، کاربرد دارد. از آنجا که «سبک زندگی» واژه‌ای مرکب است؛ از این رو ابتدا به بیان معنای هر کدام از این کلمات این مفهوم مرکب پرداخته می‌شود. واژه‌ی «سبک» در لغت به معنای «روش»، «شیوه»، «طرز»، «راه و رسم»، «قاعدۀ و اسلوب» (معین، ۱۳۶۰: ۱۸۱۸) آمده است و واژه‌ی «زندگی» نیز در لغت به معنای «عمر»، «زندگانی»، «حیات»، «زیستن»، «معاش و زنده بودن» است (معین، ۱۳۶۰: ۱۸۱۸). سبک مترادف واژه‌ی «سیره» بر وزن «فعلَه» در زبان عرب است. در این وزن، واژه نه بر نفس عمل که بر نوع عمل دلالت دارد و اهل لغت آن را همان طریقه، هیئت، رفتار و روش و حالتی دانسته‌اند که انسان و غیر انسان بر آن حالت باشند (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۴۰، ج ۳ و راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۲۴۷). شهید مطهری نیز «سیره» را نوع و سبک رفتار دانسته است (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۶).

از طرفی اندیشمندان در معنای مفهوم ترکیبی «سبک زندگی» تعاریفی را ارائه نمودند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. به باور گیدنز سبک زندگی «مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها است که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او برآورده می‌شود؛ بلکه روایت خاصی را هم که برای هویت شخصی خود برگزیده است در برابر دیگران منسجم می‌سازد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۰). هم چنین از نظر آلفرد دالر، سبک زندگی ترکیبی از مجموع انگیزه‌ها، ویژگی‌ها، علائق و ارزش‌هایی است که در تمام رفتارهای فرد ظاهر می‌شود. گاهی نیز به معنای ارزش‌ها و شیوه‌های زندگی است که در مردم متعلق به یک طبقه اجتماعی مشترک است (صلیبی، ۱۳۸۲: ۳۷۹). هم چنین سبک زندگی اسلامی عبارت است از «مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، جسمانی، معنوی، علمی و... بر اساس مبانی و اهداف اسلام شکل گرفته و در زندگی انسان مسلمان

نهاده‌ی شده که در حقیقت هویت او را نشان می‌دهد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶: ۳۱). بنابراین می‌توان گفت سبک زندگی از نظر مفهومی ناظر به زندگی مادی فردی و رفتارهای مصرفی انسان است (جباران، ۱۳۹۴: ۱۸۷-۱۸۶).

از سویی از نظر رهبر انقلاب برای فهم ماهیت و ابعاد مختلف سبک زندگی باید از تقلید پرهیز نمود؛ زیرا منابع اسلامی در سلوک عملی منابع کامل و مملو از مؤلفه‌های تمدن ساز هستند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). ایشان بر این باور هستند که هدف پیامبران از مجاهدت‌های مخلصانه تشکیل نظام دینی و اقامه‌ی حق است. هم‌چنین در نظام اسلامی باید احکام و سبک زندگی اسلامی پیاده شود و فرهنگ جامعه در همه‌ی ابعاد، منطبق بر آموزه‌های قرآنی باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای آنجایی که سخن از سبک زندگی به میان آورده‌اند، هم‌ردیف آن عبارات «روش زندگی» و «عادات زندگی» را نیز به کار برده‌اند (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴ و ۱۳۹۱/۷/۲۳) که می‌تواند حکایت از دلالت سبک زندگی بر رفتارهایی داشته باشد که به عادت یک فرد یا جامعه تبدیل شده‌اند و از آنجا که در توضیح سبک زندگی، از عبارت «چگونگی مشی زندگی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۷/۵) استفاده نموده‌اند، برداشت می‌شود که اساساً سبک زندگی، نه بر نفس عمل و رفتار، بلکه بر کیفیت، شیوه و چگونگی رفتارها دلالت دارد. بر این اساس در سبک زندگی، چگونگی آن دسته از رفتارهای فردی و اجتماعی مورد نظر است که برای انسان به یک عادت یا حالت پایا تبدیل شده باشند و از نوعی تداوم برخوردار باشند. در واقع سبک و روش تعالی بخشی است که اسلام برای زندگی بشر ارائه می‌دهد، نگارندگان معتقد هستند که اسلام در موضوعات مختلف زندگی، روش ارائه داده است و باید از این رهنمون‌ها استفاده شود.

- مصرف

واژه‌ی «مصرف» از ماده «صرف» به معنای این است که انسان با اراده در چیزی تصرف کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۱۰). در علم اقتصاد برای اصطلاح «مصرف» معانی متعددی ذکر شده است. برخی بر این باور هستند که «ثروت، منبع درآمد است و درآمد خالص یعنی درآمد منهای استهلاک به دو منظور استفاده می‌شود: بخشی از آن به انباشتن ثروت و پس انداز اختصاص می‌یابد و بخش دیگر، صرف تحصیل لذت می‌شود. آن قسمت از درآمد که صرف به دست آوردن لذت می‌گردد، «مصرف» نام دارد» (قدیری اصل، ۱۳۷۹: ۲۷۴). برخی دیگر می‌گویند؛ مصرف فرآیندی است که در آن ارزش استفاده؛ چه به صورت تبدیل (مصرف تولیدی) و چه به صورت استفاده ناب و ساده آن در هنگام مالکیت برای ارضاء نیازها از بین می‌رود. با افزایش مصرف، کالاها و خدمات مصرفی تغییر می‌کند و به

تدریج از هزینه‌های ضروری کاسته شده و هزینه‌های تجملی و غیر ضروری جای آن را می‌گیرد (رزاقی، ۱۳۷۴: ۳۵)؛ بنابراین آنچه در این نوشتار از «مصرف» اراده شده این است که کلیه کالاها و خدماتی را که تولید می‌شوند و مصرف کننده در چهارچوب اقتصادی چه با اراده، چه تحت تاثیر عوامل روانی برای رفع نیاز خود درصدد تهیه آن برمی‌آید (رزاقی، ۱۳۷۴: ۳۷-۳۸). پس از مشخص شدن معنای واژگان کلیدی به تبیین مؤلفه‌های تمدن‌ساز سبک زندگی قرآنی و تأثیر آن در حوزه مصرف پرداخته می‌شود.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش توصیف داده‌ها و تحلیل قرآنی - روایی با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنت بهره می‌گیرد تا به تبیین مؤلفه‌های تمدن‌ساز سبک زندگی در حوزه مصرف از منظر مقام معظم رهبری بپردازد.

۵- یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌های تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف را می‌توان به دو دسته‌ی مؤلفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود که در ذیل به طور مفصل از آن‌ها بحث می‌شود:

۵-۱- مؤلفه‌های سلبی

از منظر مقام معظم رهبری در زمینه‌ی سبک زندگی قرآنی، عدم اسراف، عدم تجمل‌گرایی، عدم اتراف و تنوع طلبی، نفی نیازهای کاذب و اولویت‌بندی نیازها از جمله مؤلفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف است که در ذیل از آن‌ها بحث می‌شود:

۱-۱-۵. عدم اسراف و صرفه‌جویی

یکی دیگر از مؤلفه‌های تمدن‌سازی در سبک زندگی قرآنی در حوزه مصرف، صرفه‌جویی و پرهیز از اسراف است. ایشان در مسئله‌ی صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌گردهای زائد، به مسئولان تذکر می‌دهند که اگر این اخلاق به مردم سرایت کند و هم نسبت به مردم و کسانی که دستشان به دهان شان نمی‌رسد در هر دو قشر اسراف زیاد وجود دارد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۲۰)

۱۳۹۲). یکی از نتایج و اثرات روش صحیح مصرف، کاهش هزینه‌ها و ایجاد زمینه برای گسترش عدالت اجتماعی است که یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت پیامبران است. ایشان در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، صرفه جویی را این‌گونه تبیین می‌کنند: «صرفه‌جوئی به معنای مصرف نکردن نیست؛ صرفه‌جوئی به معنای درست مصرف کردن، به جا مصرف کردن، ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. اسراف در اموال و در اقتصاد این است که انسان مال را مصرف کند، بدون اینکه این مصرف اثر و کارایی داشته باشد. مصرف بیهوده و مصرف هرز، در حقیقت هدر دادن مال است» (خامنه‌ای / ۰۱ / ۰۱ / ۱۳۸۸).

از نظر لغویون نیز، به تجاوز از حد در هر کاری اسراف گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۰۷):
 گرچه چون همه گناهان، تجاوز از حدود الهی هستند، مصداق اسراف لغوی محسوب می‌شوند (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۳۶۱، ج ۲)، ولی مصداق اسراف اصطلاحی نیستند؛ زیرا در این صورت هر گناهی مصداق اسراف نیز می‌شد، ولی کاملاً مشخص هستند که اسراف و زیاده روی از مصادیق قطعی اسراف اصطلاحی است (رجایی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۲). در سبک زندگی قرآنی نیز عدم اسراف توصیه شده است؛ زیرا خداوند متعال یکی از ویژگی‌های عباد الرحمن، را در سوره فرقان، پرهیز آنان از اسراف بیان می‌کند: «و عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا... وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (الفرقان / ۶۳-۶۷)؛ و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند... و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند». در صدر آیه، دو طرف افراط و تفریط در انفاق نفی شده و ذیل آن، حد وسط را اثبات نموده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۰، ج ۱۵). از این رو بر طبق آیه حتی در انفاق، اسراف جایز نیست و انسان در خرج کردن محدودیت دارد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۸۲، ج ۶). انفاق از ضروریات زندگی خانوادگی است که اهل خانه‌اش را گرسنه یا در تنگنا قرار دهد؛ در حالی که در راه خدا انفاق کند و نه این که از انفاق چیزهای مازاد از احتیاجش بخل بورزد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳۳۵، ج ۲۱). خداوند متعال نیز در آیات قرآن دستور می‌دهد تا از مسرفان پیروی نکند (شعراء، ۱۵۱)؛ زیرا مسرفان در کار خود تعقل و تفکر نمی‌کنند و به خاطر ارضای شهوت جامعه را از حالت تعادل به انحراف می‌کشاند (انبیاء، ۹).

۲-۱-۵. عدم افراط در رفاه طلبی و تجمل‌گرایی

مقام معظم رهبری نیز در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها یکی از عیوب اساسی سبک زندگی مردم و مشکلات آن را مصرف‌گرایی، اسراف، زیاده روی، زیاد خرج کردن و رفاه

طلبی افراطی می‌دانند که از طبقات بالا به پایین سرازیر می‌شود. که متأسفانه موارد یاد شده به کشور ضربه می‌زند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱). البته در آیات قرآن هم بر این مهم تأکید شده است. در آیات قرآن از افراد رفاه زده با عنوان «مترفین» یاد شده و واژه‌ی «ترفه» به معنای نعمت و «ترف» به معنای تنعم است. «مترف» به کسی گفته می‌شود که از انبوه نعمت برخوردار است که این نعمت او را به طغیان وادار کرده و از انواع لذتها و شهوات دنیا کامجویی می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۷، ج ۹). یکی از ویژگی‌هایی که قرآن کریم در مورد رفتار مصرفی انسان مادیگرا مطرح می‌کند؛ تجمل‌گرایی است و به علت عدم توجه به نیازهای غیر مادی، بیشتر درآمد خویش را برای رفع نیازهای مادی صرف می‌کند (هادوی نیا، ۱۳۹۶: ۱۵۹). قرآن کریم منشا رفتار قارون را با توجه به تجمل‌گرایی تحلیل می‌کند و می‌فرماید: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص: ۷۹) پس [قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد؛ کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند، گفتند: «ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می‌شد؛ واقعاً او بهره‌بزرگی [از ثروت] دارد». بر طبق آیه افراد مادی‌گرایی که زندگانی دنیا را هدف نهایی و یگانه‌گایت سعی خویش می‌دانند، هیچ‌گایت دیگری را به غیر از زندگی دنیا دنبال نمی‌کنند و از آخرت غافل هستند و به همین جهت اموال قارون را سعادت عظیم شمردند و بدون قید و شرط آرزو کردند که ای کاش ما هم مثل قارون بودیم، چون او از حظی عظیم، و سعادت بزرگ برخوردار است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۹-۸۰، ج ۱۶).

آیات قرآن کریم به وضوح نشان می‌دهد که یکی از موانع تضرع به درگاه خداوند، رفاه و آسایش است (انعام: ۴۲-۴۴) همچنین انسان با زندگی مترفانه و افراط در استفاده از طبقات، به غضب الهی گرفتار شده (طه: ۸۱) از محبت خدا محروم می‌شود (مائده: ۸۷) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امت خویش می‌فرماید: مترفین بدترین اقشار اجتماع معرفی کردند که همه فتنه‌ها به سوی آنان برمی‌گردد. (احمد بن حنبل، بی تا: ج ۸، ص ۲۵۷) اتراف، روح عبادت و مسئولیت‌پذیری را در انسان نابود و از او موجودی خودخواه می‌سازد (ر.ک: حسینی، ۱۳۷۹: ص ۱۴۷)

خداوند متعال در سوره اعراف می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲)، [ای پیامبر] بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟ بگو: این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان

آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاصّ آنان می‌باشد. این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم». در آیه به مومنین سفارش کرده از زینت‌ها و روزی‌های طیب استفاده کنند ولی در حد اعتدال و از تجمل و اشرافیگری پرهیز کنند. علامه طباطبایی اخراج زینت را استعاره تخیلی می‌داند که کنایه از اظهار زینت است. خدای سبحان از راه فطرت، هدایت را به انسان الهام کرده و انواع و اقسام زینت‌های مورد پسند جامعه را که باعث مجذوب شدن دلها به سوی خود او است ایجاد کرده است تا تنفر را از خود دور کند، هر چند در ظاهر، به وجود آوردن زینت‌ها و سایر نیازهای زندگی کار خود انسان است؛ چون به الهام خداوند ایجاد شده است و چون می‌دانسته انسان محتاج به زینت است. پس زینت هم یکی از مهم‌ترین اموری است که اجتماع بشری به آن اعتماد می‌کند و جزء لاینفک جامعه محسوب می‌شود به طوری که با فرض نبودن زینت، جامعه منهدم می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۰، ج ۸). هم‌چنین در سوره مائده، افراط در استفاده از طیبات، عامل محرومیت از محبت خداوند است (مائده: ۸۷)؛ در سوره طه نیز طغیان و افراط، در استفاده از طیبات را عامل گرفتاری به غضب الهی شمرده شده است (طه: ۸۱).

هم‌چنین امام صادق علیه السلام خطاب به حمران بن اعین می‌فرماید: «انظُرْ اِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ وَ لَا تَنْظُرْ اِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَكَ فِي الْمَقْدَرَةِ فَإِنَّ ذَلِكَ أَفْعَى لَكَ بِمَا قَسِمَ لَكَ وَ آخِرَى أَنْ تَسْتَوْجِبَ الزِّيَادَةَ مِنْ رَبِّكَ؛ نگاه کن به تو آن کسی که پایین‌تر از توست و نگاه نکن به تو آن کسی که بالاتر از توست، همانا آن برای تو فایده‌تر است به آنچه که برای تو تقسیم شده و شایسته‌تر است از اینکه از پروردگارت چیز زیادی طلب کنی» (کلینی، ۱۴۱۴: ۲۴۴، ج ۸).

۳-۱-۵. نفی نیازهای کاذب و رعایت اولویت‌ها

مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در حضور جمعی از مسئولان دستگاه‌های مختلف، فعالان اقتصادی، و مدیران مراکز علمی و رسانه‌ای و نظارتی؛ یکی از مشکلات کشور را عادت به واردات بدون اولویت می‌داند که لزوم مقابله با آن را بر هر انسان دلسوز و هر مسئول با همتی لازم می‌داند (خامنه‌ای، ۲۰/۱۲/۱۳۹۲). رعایت اولویت‌ها یکی از اصول عقلی و عقلایی در تخصیص درآمد بویژه مصرف می‌باشد (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۸۷). خداوند متعال نیز در آیات قرآن بر این مهم تأکید ورزیده و می‌فرماید: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» از نعمتهای حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، پرهیزید» (مائده، ۸۸). در آیه «اکل» به معنای خوردن و جبران قوای از دست رفته و

«رزق» به معنای انعام مخصوصی است که استمرار پیدا و برای ادامه‌ی زندگی و رفع گرفتاری و مضیقه صورت می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۲۰۵، ج ۷). بنابراین نخستین چیزی که در برنامه‌ریزی اقتصادی باید مورد توجه واقع شود، توجه به نیازهای اولیه و اساسی است.

هم‌چنین حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۲۶ نهج البلاغه در رابطه با اهم و مهم کردن و اولویت قرار دادن در مصرف کردن مال می‌فرماید: «أَلَا وَإِنَّ إِعْطَاءَ أَمْوَالٍ فِي غَيْرِ حَقِّهِ تَبْذِيرٌ وَإِسْرَافٌ وَهُوَ يَرْفَعُ صَاحِبَهُ فِي الدُّنْيَا وَيَضَعُهُ فِي الْآخِرَةِ وَيُكْرِمُهُ فِي النَّاسِ وَيُهِينُهُ عِنْدَ اللَّهِ وَكَمْ يَضَعُ أَمْرُؤُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقِّهِ وَلَا عِنْدَ غَيْرِ أَهْلِهِ إِلَّا حَرَمَهُ اللَّهُ شُكْرَهُمْ وَكَانَ لِعَیْبِهِمْ وَدُهُمُ فَإِنْ زَلْتُمْ بِهِ النَّعْلُ يَوْمًا فَاحْتِاجَ إِلَى مَعُونَتِهِمْ فَشَرُّ خَلِيلٍ وَالْأُمُّ خَدِينٍ؛ بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تبذیر، و اسراف یکی است. قدر بخشنده را در دنیا بالا برد و در آخرت فرود آرد، او را در دیده مردمان گرامی کند، و نزد خدا خوار گرداند. هیچ کس مال خود را آنجا که نباید نداد، و به نامستحق نبخشد، جز آنکه خدا او را از سپاس آنان محروم فرمود، و دوستیشان از آن دیگری بود. پس اگر روزی پای او لغزید، و به یاری آنان نیازمند گردید، در دیده ایشان بدترین یار است و لثیم‌ترین دوستدار». همچنین امیر المومنین علیه السلام درباره رعایت اولویت‌ها در زندگی می‌فرماید: «مَنْ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهْمِ (قَدْ) ضَيَعَ الْأَهْمَ، هر کس به چیزی که مهم نیست پردازد آنچه را که اهمیت بیشتری دارند، از دست می‌دهد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۶۰). از روایت به دست می‌آید که رعایت اولویت‌ها در همه امور مخصوصاً در مصرف و خرج کردن لازم است. البته باید توجه کرد که این اولویت‌بندی نباید دست خوش تبلیغات همگام با اهداف مکتب سرمایه‌داری بر پایه‌ی افزایش سود باشد و باعث تشدید نیازهای کاذب در انسان شود (ایروانی، ۱۳۸۴: ۲۷۲).

۲-۵- مؤلفه های ایجابی

از منظر مقام معظم رهبری در زمینه‌ی سبک زندگی قرآنی، مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب و کالاهای داخلی از جمله مؤلفه های ایجابی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف است که در ذیل از آن‌ها بحث می‌شود:

۱-۲-۵. مصرف اقلی و قناعت

یکی از مؤلفه‌های تمدن‌سازی در سبک زندگی قرآنی در حوزه‌ی مصرف از منظر مقام معظم رهبری، مصرف اقلی و قناعت است. یکی از توصیه‌های ایشان به زوج‌های جوان این است که «قناعت کنید، از قناعت خجالت نکشید. بعضی‌ها خیال می‌کنند که قناعت مال آدم‌های تهیدست و فقیر است و

اگر آدم داشت، دیگر لازم نیست قناعت کند. نه، قناعت یعنی در حد لازم، در حد کفایت، انسان توقف کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۰۱). هم‌چنین ایشان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ساده زیستی را به کمتر بهره بردن از جلوه‌های دنیا تفسیر می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵). رهبر انقلاب مصرف‌گرایی را به کار بستن همه دسترنج خود در غیر ضروریات زندگی می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). ایشان پرهیز کردن از اسراف، اصلاح الگوی مصرف و روحیه‌ی قناعت و ساده زیستی را از جمله مصادیق فرهنگ می‌شمارد. ایشان مسئله‌ی فرهنگ را به عنوان یکی از دغدغه‌های مهم بیان می‌کند که از مسائل اقتصادی و سیاسی هم مهم‌تر می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۶/۲۵).

قناعت یعنی اکتفا کردن انسان به کم، از امور مورد احتیاج است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۸۵). اسلام در عین اینکه وابستگی به مال دنیا را محکوم می‌کند ولی اصل داشتن آن و اخذ آن را محکوم نمی‌کند (مطهری، ۱۳۸۹: ۱۸۱). مصرف حداقلی معیشت، به مصارف ضروری مانند خوراک، پوشاک و نیاز به آموزش عمومی اطلاق می‌شود. هم‌چنین اگر کالایی در حد شأن او باشد؛ به طوری که در صورت عدم استفاده از آن، کسر شأن به شمار می‌آید (رجایی، ۱۳۹۲: ۷). خداوند متعال مردم را در سوره یوسف به صرفه جویی و ضرورت قناعت در آذوقه‌ها و محصولات کشاورزی، پیش از دوران قحطی و خشکسالی ترغیب می‌کند و می‌فرماید: «قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِنَّهَا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَحْصِنُونَ (یوسف، ۴۷ و ۴۸)؛ گفت: «هفت سال پی در پی می‌کارید، و آنچه را درویدید- جز اندکی را که می‌خورید- در خوشه‌اش واگذارید. آن گاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده‌اید- جز اندکی را که ذخیره می‌کنید- همه را خواهند خورد». برطبق آیات صرفه جویی و ذخیره‌سازی به عنوان یک ضرورت (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۱۷) و یکی از امور مهم کشورداری است ولی در خانواده به عنوان یک واحد کوچک از اجتماع قابل اجرا است. بر طبق عبارت «قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» صرفه جویی امروز، خودکفایی فردا و اسراف امروز، نیاز فردا را بدنبال دارد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲۱۸). این مؤلفه در روایات نیز مورد تأکید واقع شده است. به عنوان نمونه امام کاظم علیه‌السلام انسان عاقل را انسانی می‌داند که به حد کفایت قانع باشد و در نتیجه قناعت بی‌نیاز خواهد شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸). هم‌چنین اسحاق بن عمار از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که ایشان مومن را کسی می‌داند که مخارج او سبک است و امور اقتصادی خود را به خوبی تدبیر می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۱).

مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی نظام اداری بر حفظ اموال بیت‌المال تاکید داشته‌اند و آن را از اصول اثرگذار در پیشرفت اقتصادی بشمار آوردند (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۱/۳۱). خداوند متعال نیز در سوره مبارکه آل عمران پیامبران را مبراً از خیانت در بیت‌المال معرفی می‌کند و همچنین خیانتکاران در اموال بیت‌المال را در قیامت به مجازات می‌رساند: «وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَ مَنْ يَغْلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ» و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت ورزد، و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ آن گاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده، به تمامی داده می‌شود، و بر آنان ستم نرود» (آل عمران: ۱۶۱). شأن نزول آیه مربوط به عذر تراشی‌های بی‌اساس بعضی از جنگجویان احد است که می‌خواستند سنگر حساس خود را برای جمع‌آوری غنیمت خالی کنند، و به دستور امیر خود برای رسیدن به غنائم بیشتر گوش ندادند و گفتند، ما می‌ترسیم پیغمبر در تقسیم غنائم ما را فراموش کند. قرآن در پاسخ بعضی از جنگجویان احد که می‌خواستند سنگر حساس خود را برای جمع‌آوری غنیمت خالی کنند و به دستور امیر خود برای رسیدن به غنائم بیشتر گوش ندادند و گفتند؛ ما می‌ترسیم پیغمبر در تقسیم غنائم ما را فراموش کند، می‌گوید: «خیانت با نبوت سازگار نیست»؛ پس آیه هر گونه خیانت را، اعم از خیانت در تقسیم غنائم و یا حفظ امانت مردم، و غیره را از پیامبران نفی می‌کند و سپس خائنین را تهدید می‌کند که هر کس خیانت کند، روز رستاخیز آنچه را در آن خیانت کرده، به عنوان مدرک جنایت بر دوش خویش حمل می‌کند و یا همراه خود به صحنه محشر می‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵۱-۱۵۲). هم‌چنین امام علی علیه السلام در نامه‌ای که به برخی از مأموران مالیاتی خود نوشته‌اند، می‌فرماید: «کسی که امانت الهی بیت‌المال را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند، خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری در دنیا را به روی خود گشوده است» (رضی، ۱۴۱۴: ۵۰۷، نامه ۲۶). از این رو بر طبق این آیه و روایت، باید در مصرف بیت‌المال دقت بیشتری شود؛ زیرا خائن به بیت‌المال در روز قیامت به سزای اعمال خود می‌رسد.

۲-۵. توازن بین دخل و خرج (کفاف)

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که مقام معظم رهبری بر آن تأکید دارند و مردم را به آن توصیه می‌کنند، توازن بین دخل و خرج است (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۲۱/۲۱). ایشان مسؤلان کشور را نیز به برقراری توازن دخل و خرج عمومی در ابعاد کلان و محاسبه‌ی عملکردشان سفارش می‌نمایند (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۱/۰۱). پیش از این ثابت شد که در سبک زندگی قرآنی قناعت لازم است؛ یکی از نتایج قناعت

در زندگی کفاف است. کفاف به سطحی از مصرف اطلاق می‌شود که نیازهای انسان را برطرف کند (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۱۹۱). یکی از عوامل مؤثر در تعیین میزان مخارج فرد مسلمان، سطح درآمد است به این معنا که در صورت کاهش درآمد، هزینه‌ها را کاهش دهد و با افزایش درآمد آن را افزایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۶۹: ۱۷۲).

خداوند متعال در آیات قرآن می‌فرماید: «آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدست هستند، از آنچه که خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند، خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند» (طلاق، ۷)؛ این آیه هر چند در مورد تأمین مخارج زنانی است که طلاق گرفته‌اند، اما هیچ منافاتی ندارد که از آن این اصل را برداشت کرد که هر کس به اندازه وسع و توانی که خداوند به او داده است تکلیف تأمین مخارج زندگی را دارد. هم‌چنین چنان‌که برخی از آیه «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (مائد، ۸۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام مشمارید و از حد مگذرید، که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد، نیز استفاده کرده‌اند که در بهره‌گیری از امور حلال نباید از حد تجاوز کرد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۵۵۰). بر طبق این آیه مؤمنین تسلیم امر الهی، طیبات را بر خود حرام نمی‌کنند و البته «حرام» به معنای چیزی است که از آن منع شده باشد، چه این منع به تسخیر الهی باشد، و چه به منع قهری، و چه به منع عقلی یا منع شرعی یا از ناحیه کسی که اطاعت امرش لازم است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). در دین اسلام افراط و تفریط ممنوع است و ایمان با افراط و تفریط سازگار نیست و محروم کردن خود از طیبات، یک تعدی و تجاوز به شمار می‌رود (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳۶۰). هم‌چنین مردی از امام صادق علیه السلام در مورد تدبیر در معیشت این گونه سؤال کرد که به من رسیده است که میانه روی و تدبیر در معیشت، نصف کسب است؟ «حضرت فرمودند: نه، بلکه همه کسب است و تدبیر در معیشت از دین است» (طوسی، ۱۴۱۴: ۶۷۰).

۴-۲-۵. گزینش کالاهای حلال و طیب

برای حرکت به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی در جامعه‌ی قرآنی با سبک زندگی قرآنی کالاها و اقلام مصرفی که گزینش می‌شوند، باید دارای خصوصیات باشند. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها حلال و طیب بودن کالاهای مصرفی و طهارت اقتصادی است؛ زیرا مقام معظم رهبری در بیانات خود ضمن بیان روایاتی از حضرت امیر به این مهم اشاره کردند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱/۲۶). شرح روایت به این صورت

است که شخصی که از طرف امیرالمؤمنین(ع) می‌خواهد فرماندار به شهری بفرستد. بسته سر به مهری را به این شخص بدهد که داخل آن سویق - آرد الک نکرده و نخاله‌دار - وجود دارد. یک مشت از آردها را با آب داخل کاسه ریخت و به عنوان نهار خورد به او هم می‌گوید بخور. او حیرت زده به حضرت اعتراض میکند که این عراق با این همه نعمت در اختیار دارید، این کارها برای چیست؟! حضرت فرمود: «والله ما اختم علیه بخلا به»؛ سوگند به خدا، من که در این کیسه را مهر کردم، به خاطر بخل نیست که حیغم می‌آید از این آرد الک‌نکرده کسی بخورد. «ولکنی ابتاع قدر ما یکفینی»؛ من به قدر حاجت شخصی خودم، از این آردها - که پست‌ترین آرد است؛ می‌خرم. «فاخاف ان ینقص فیوضع فیه من غیره»؛ می‌ترسم که این کیسه را کسی باز کند و از غیر از آن آردی که خود من خریده‌ام، چیزی داخل این کیسه بریزد. «وانا اکره ان ادخل بطنی ألاً طیباً»؛ و من خوش ندارم که در شکم خود غذایی وارد کنم که طیب و پاکیزه نباشد. می‌خواهم غذای پاکیزه بخورم؛ غذایی که از پول خودم و مال خودم است و مال کسی در آن نیست. بعد فرمودند: «فایاک و تناول ما لم تعلم حله»؛ مبادا چیزی که حلال بودن آن را نمیدانی، تناول کنی؛ بخوری یا بگیری. تناول، فقط خوردن نیست؛ او را در اختیار نگیر، مگر یقین کنی که حلال است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۵).

خداوند متعال نیز استفاده از هر نعمت زمینی را برای انسان‌ها با دو شرط اساسی حلیت و طیب بودن، مباح می‌شمارد. حلیت در لغت از حل به معنای گشودن گره‌های بسته است؛ همچنین «طیب» چیزی است که هم حواس و هم نفس از آن لذت می‌برد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۵۱-۵۲۷). علامه طباطبایی واژه «طیب» را ارتزاق از انواع غذاهای مختلف می‌داند و یا مطلق چیزهایی که آدمی در زندگی و بقای خود از آنها استمداد می‌جوید، مانند مسکن، همسر و ... برای تشخیص اینکه کدامیک از افراد این انواع «طیب» و مطابق با میل و شهوت او و سازگار با وضع ساختمانی او است، خداوند او را مجهز به حواسی کرده که با آن می‌تواند، سازگار آن را از ناسازگارش تمیز دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۰-۸۱). همچنین ایشان در تفاوت بین حلال و طیب؛ حلال را ضد حرام می‌داند و معنای حرام بودن این است که انجام دادن آن کار ممنوع است و طیب را چیزی که سازگار با نفس است، در مقابل خبیث، مثل سخن خوطشی که با گوش سازگار است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۱۷) و بر طبیعت اولیه باشد، بدون اینکه با چیزی که سبب فساد و تیرگی آن است مخلوط گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۳۶). یا در جای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «یا ایُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا ... ؛ ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید...» (بقره، ۱۶۸). واژه «اکل» را در اصل به معنای جویدن و بلعیدن است، ولی به

عنوان کنایه در مطلق تصرفات در اموال نیز استعمال می‌شود و به این علت که در تصرفات مالی نیز منظور اصلی انسان خوردن است، چون به طور کلی خوردن رکن زندگی آدمی است. و به این علت می‌توان امر (کلوا- بخورید) را هم حمل بر معنای وسیع کنیم (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۸). «طیب»، صفت «حلال» است و فائده این وصف، تعمیم حکم حلیت خوردن است، زیرا صفت آوردن برای اسم نکره، حکم موصوف را تعمیم می‌دهد. پس مقصود از «حَلَالًا طَيِّبًا» هر مأكول مباحی که موافق طبع باشد را شامل می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۷۸).

۵-۲-۵. گزینش کالاهاى داخلی

یکی از مؤلفه‌های تمدن سازی مقام معظم رهبری که به مردم و دولت توصیه می‌کنند؛ گزینش کالا از محصولات داخلی است. باید که مردم و دولت به دنبال «برند» و مد نباشند؛ زیرا این کار باعث ضربه زدن به تولید داخلی و سلطه‌ی بیگانگان بر کشور می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹). قرآن کریم به فرصت طلبی منافقان اشاره می‌کند که به دنبال سود هستند. آنان در صورت پیروزی مؤمنان، اظهار ایمان و شرکت در جهاد می‌کنند و اگر کافران پیروز شوند، خود را همراه با کافران و زمینه‌ساز پیروزی بیان می‌کنند. خدای سبحان در روز قیامت حکم می‌کند و سپس می‌فرماید: خدواند برای کافران بر مؤمنان سلطه‌ای قرار نداده است، «الَّذِينَ يَرْتَابُونَ بَكُمْ فَإِنْ كَانُمْ فَتَحَ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانُوا لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱). جمله «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ...» از عدم سلطه کافران بر مؤمنان و بلکه از چیرگی مؤمنان بر کافران خبر می‌دهد. درباره این جمله احتمالات گوناگونی مطرح است؛ از قبیل:

الف- در آخرت کافر سلطه‌ای بر مؤمن ندارد؛ هرچند ممکن است در دنیا به زیان مسلمان حکم شود،
ب- در مسائل فرهنگی و احتجاجات، هرگز کافر بر مؤمن برهانی ندارد و همواره در مسائلی مانند وحی، نبوت و معاد، براهین عقلی به سود مؤمنان است،

ج- اگر محور مبارزه، ایمان و کفر باشد، بی تردید مؤمنان همواره پیروزند و

د- چنان که کافر در آخرت راه سلطه‌ای بر مؤمن ندارد، در دنیا نیز برای آنها سلطه سیاسی و نظامی نیست (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۱۹۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق: ۲۴۸؛ طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۱۶؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۸۰-۱۸۳)؛ لکن فقها با استدلال به این آیه به جهت اینکه «سبیلًا» نکره است و افاده عموم می‌کند، انعقاد هرگونه پیمان سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را که سبب سلطه کافران بر مسلمانان

گردد، نامشروع می‌دانند (اردبیلی، [بی تا]: ۴۳۹-۴۴۰؛ کاظمی، ۱۳۶۵: ۵۳-۵۴). غیر از جهت یاد شده، استدلال فقها بر این مبنا استوار است که جعل در آیه کریمه، جعل و اراده تشریحی باشد که در این صورت، مخصوص دنیا خواهد بود. در صورتی که اگر جعل و اراده تکوینی باشد، مصداق کامل آن، قیامت است (لنکرانی، ۱۴۱۶: ۲۳۴)؛ ولی اگر مسلمانان با دو عنصر توحید مداری و وحدت محوری زندگی کنند، مصداق آیه مزبور خواهند بود (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۸۰-۱۸۳). قرآن کریم نیز می فرماید: «وَلَا تَهْنُؤُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران، ۱۳۹).

جمع بندی و نتیجه گیری

از آنچه گفته شد؛ به دست می آید که سبک زندگی در کلام رهبری مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه‌های گوناگون زندگی بر اساس مبانی و دیدگاه‌های اسلام شکل گرفته و در زندگی انسان مسلمان نهادینه شده که در حقیقت هویت او را نشان می‌دهد. در راستای جلوگیری از لزوم پرهیز از تقلید غربی، شناسایی نیازهای حقیقی و اساسی کشور، تکیه بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی، فهم صحیح مؤلفه‌های تمدن ساز سبک زندگی بسیار تأثیرگذار است. با مطالعه دیدگاه مقام معظم رهبری، مهم‌ترین مؤلفه‌های مؤثر در تمدن‌سازی سبک زندگی قرآنی در حوزه‌ی مصرف را می‌توان به دو دسته‌ی مؤلفه‌های سلبی و ایجابی تقسیم نمود. مصرف اقلی و قناعت، دقت بیشتر در مصرف عمومی، توازن بین دخل و خرج، گزینش کالاهای حلال و طیب، گزینش کالاهای داخلی از جمله مؤلفه‌های ایجابی و عدم اسراف، عدم تجمل گرایی، عدم اتراف و تنوع طلبی، نفی نیازهای کاذب و اولویت بندی نیازها از جمله مؤلفه‌های سلبی تمدن‌سازی در اصلاح الگوی مصرف از دیدگاه ایشان است. از این رو کاربست این مؤلفه‌ها و اهتمام و التزام عملی به آن‌ها در تحقق و تمدن سازی سبک زندگی قرآنی در مصرف نقش اساسی دارد و در مقابله‌ی با زیان‌های بی‌جبران اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی بر ایران مؤثر خواهد بود. امید است؛ در مقام عمل، با جهادی همه جانبه و هوشمندانه رو به سمت محقق کردن سبک زندگی قرآنی پیش برویم.

قرآن کریم (۱۴۱۸). ترجمه مهدی فولادوند، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معرف اسلامی. چاپ سوم، ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۳۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ چهارم.

ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴). لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم. ایروانی، جواد (۱۳۸۴). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ اول.

جباران، محمد رضا (۱۳۹۴). تحلیل مفهومی سبک زندگی، قم: مجله قیاسات، شماره ۷۵. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ سوم. حسینی، سید رضا (۱۳۷۹). الگوی تخصیص در آمد و رفتار مصرف کننده مسلمان، قم: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

خامنه‌ای، سید علی، بیانات، (برگرفته از سایت www.khamenei.ir). راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، چاپ اول. رجایی، سید محمد کاظم؛ خطیبی، مهدی (۱۳۹۲). شاخص اسراف و معیارهای آن، قم: پژوهشگاه بین المللی المصطفی.

رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۶). سبک زندگی قرآنی، قم: دفتر نشر معارف. شریعتی، علی (۱۳۳۸). تاریخ تمدن، تهران: قلم. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (للصیحی صالح)، قم: بی‌نا، چاپ اول. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم. صلیبی، ژانست (۱۳۸۲). فرهنگ توصیفی روانشناسی اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). الامالی، قم: دار الثقافة.

قدیری اصل، باقر (۱۳۷۹ق). کلیات علم اقتصاد، تهران: مرکز نشر سپهر، چاپ اول. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.

لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم: دار الحدیث، چاپ اول.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم.

مرکز فرهنگ و معارف قرآن (۱۳۸۲). دایرة المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). سیره‌ی نبوی، تهران: انتشارات صدرا.

معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات تهران، چاپ چهارم.

مقصودی، مجتبی؛ تیشه‌یار، ماندانا (۱۳۸۸). تمدن ایرانی فراسوی مرزها، تهران: تمدن ایرانی.

یوکیچی، فوکوتساوا (۱۳۷۹). نظریه تمدن، ترجمه چنگیز پهلوان، تهران: گبو، چاپ دوم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی